

یادنامه^۱

رئیس احمد نعمانی*

طاهره! ای مهینه فرزندم
راحت جان زار مادر خویش
ای که در کودکی به دیده ما
رشد کردی به گلشن گیتی
شکر لله! کز عنایت او
و آمد آن روز و ساعت مسعود
جشن عقد تو برگزار شود
ترک گویی عشیره خود را
اندرین روز خرمی توام
که روی سوی خانه شویت
توانی که حس و درک کنی

دختر من: که بودی به ز پسر
هم عزیز برادر و خواهر
از گل و لاله بوده ای خوشتر
تیزتر از مرور شام و سحر
گشتی اکنون نهال قدآور
که به فرمان ایزد داور
همچو عقد بنات پیغمبر ﷺ
ره سپاری به منزل شوهر
اندرین ساعت خجسته اثر
می کنی کوچ از سرای پدر
حال قلبم که هست پر ز شرر

۱- آقای دکتر رئیس احمد نعمانی این شعر را به مناسبت برگزاری جشن عروسی دخترش «طاهره پروین» در تاریخ ۲۰۰۳/۶/۸ میلادی سروده است.

*- استادیار فارسی مدرسه اس.تی.اچ. دانشگاه اسلامی و مدیر مرکز مطالعات فارسی، علیگره.



بر دل مادرت چه می‌گذرد
دختر مؤمنی و مؤمنه‌ای
در ادای فرایض اسلام
نکنی غفلتی به هیچ محل
ندهی دین خویشتن برباد
تا که هستی به کارگاه حیات
چیست فتنه! عدول از ره حق
جان مام و پدر! مرو هرگز
می‌نمایم کنون وداع ترا
بادعاهای صالحان بزرگ
بادعاهای جمله صدیقان
انبیاء، صالحین و صدیقین
آن همه بهر تو همی خواهم
خواهی هر گه به یادآوردن
روز یکشنبه، هشتم از ژوئن

هم از آن می‌نداری هیچ خبر
پربهاتر زرز و سیم و گهر:
هرگز این حرف من زیاد مبر
یعنی احکام خالق اکبر
از برای رضای هیچ بشر
بهر دنیای مفسده پرور
دور باشی زره فتنه و شر
بازگشتن ز شرع پیغمبر
از بهشت عمل به سوی سقر
بادعاهای جمع پیغمبر
که به اخلاص بوده‌اند سحر
خواستند آنچه بهر دخت و پسر
از خدای جهان و جان پرور
سال و تاریخ این خجسته سفر
دو هزار و سه سال را بشمر

* * *